

نشریه علمی پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه، دوره دوم، شماره دوم (پیاپی ۳) پاییز و زمستان ۱۳۹۸

تحلیل و بررسی نقش رئالیسم در جامعه ادبی ایران و فرانسه با مطالعه تطبیقی رمان‌های دهقانان اثر بالزاک و نقرین زمین اثر جلال آل احمد

مقاله پژوهشی

مهدی حیدری

دانشیار، گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده زبان‌های خارجی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران

شهلا قرایی^۱

دکتری زبان و ادبیات فرانسه، گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده زبان‌های خارجی، واحد

تهران غرب، تهران، ایران

چکیده

رئالیسم یکی از مباحث بسیار مهم در حوزه هنر، فلسفه، به خصوص ادبیات است که بحث راجع به آن از اهمیت بالایی برخوردار است. ادبیات داستانی را از منظرهای گوناگونی از جمله از دیدگاه مکاتب ادبی، می‌توان بررسی کرد. در این میان رئالیسم به‌عنوان یکی دغدغه‌های فکری بسیاری از نویسندگان، از اقبال بیشتری برخوردار بوده است. در واقع استدلال‌های متنوعی که تاکنون از سوی منتقدان و نظریه‌پردازان ارائه شده همواره بر این مسئله تاکید داشته‌اند که رمان‌های واقع‌گرا، ماهیت ساختاری واقعیت را نادیده نمی‌گیرند و واقعیت را پدیده‌ای مسلم فرض می‌کنند. اهمیت رمان واقع‌گرا در جامعه ما و تأثیرپذیری آن از رئالیسم فرانسه، بی‌شک غیرقابل انکار است. بالزاک، نویسنده و اندیشمند فرانسوی، از پیشگامان مکتب رئالیسم در ادبیات محسوب می‌شود که در آثار خود با دیدگاهی واقع‌گرایانه به موضوعات مختلفی نگریسته و ویژگی‌های مکتب رئالیسم در آثار او پدیدار است. بررسی «رمان رئالیستی فارسی» به‌عنوان پدیده جدید ادبی، بی‌شک، هم تحت تأثیر تحولات داخلی و هم تحت تأثیر ادبیات غرب پدیدار شده است که می‌تواند تا حد زیادی کم و کیف تأثیر ادبیات رئالیستی غرب، به خصوص رئالیسم فرانسه

1. Email: chahla.gharaei@yahoo.com

DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.v2i2.85324>

را نشان دهد. در ایران نیز، جلال آل‌احمد به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین نویسندگان معاصر، از تأثیرات مکتب رئالیسم در آثار خود بی‌بهره نبوده است. این پژوهش عوامل و ویژگی‌های مکتب رئالیسم را در دهقانان بالزاک و نفرین زمین جلال آل‌احمد به بررسی و تحلیل می‌نشیند.

کلیدواژه‌ها: رئالیسم، واقع‌گرایی، بالزاک، جلال آل‌احمد، دهقانان، نفرین زمین

۱. مقدمه

در هر برهه‌ای روشنفکران زمان در صدد یافتن راه حلی نو برای حل پیچیدگی‌های دنیای خویش اند تا خود و دیگران را از تنگناهای موجود زمان خویش برهانند. از این رو، در قرن‌های ۱۶ تا ۱۹ میلادی مکتب‌های ادبی مختلفی توسط گروهی از روشنفکران در اروپا به وجود آمدند که ظهور آن‌ها از عواقب انقلاب صنعتی و صنعتی شدن جامعه بود. رئالیسم یکی از این مکتب‌هاست. این مکتب را عکس‌العمل در برابر مکتب پیشین (رمانتیسیم) دانسته‌اند. از اصول رئالیسم می‌توان به واقع‌گرایی، جامعه‌گرایی و توجه به آسیب‌های اجتماعی اشاره کرد. در ایجاد این مکتب عوامل اجتماعی و علمی-فلسفی تأثیر شگرفی داشته است. این مکتب «نخست در عرصه ادبیات صورت نگرفته، بلکه در میدان نقاشی به وقوع پیوسته است» (سیدحسینی، ۱۳۸۴: ۲۷۳) و بعدها در حوزه ادبیات، رمان و داستان وارد شد.

در ایران نیز این مکتب بر اثر تحولات اجتماعی و فرهنگی خاصی پدید آمد؛ از جمله: انقلاب مشروطیت و تفکرات آزادی‌خواهانه مشروطه‌خواهان، اصلاحات ارضی، از بین رفتن فئودالیت، توجه به شهرنشینی و معضلات آن و از همه مهم‌تر رویارویی با تمدن اروپا.

مکتب واقع‌گرایی در ایران در اثر آشنایی با رئالیسم اروپایی پدید آمد، رواج این مکتب در اروپا بر نویسندگان سایر کشورها از جمله ایران نیز تأثیر گذارد. هدف نویسنده رئالیست بیان واقعیت، آن‌گونه که هست می‌باشد، برون‌گرایی و عینیت بخشیدن کار اوست. راوی وقایع، در این مکتب زشت و زیبا را در کنار هم می‌بیند و برای از بین بردن زشتی‌ها، آن‌ها را افشا می‌کند و این نشانه تعهد و دلسوزی نویسنده رئالیست است.

۲. پیشینه پژوهش

ادبیات تطبیقی به بررسی تلافی افکار و اندیشه‌ها در ملت‌های مختلف و روابط پیچیده فرهنگی و اجتماعی و حتی تاریخی آن در گذشته و حال از حیث تأثیر و تأثر در حوزه‌های هنری، مکاتب ادبی، جریان‌های فکری، موضوع‌ها، افراد، داستان‌ها و... می‌پردازد. اهمیت ادبیات تطبیقی بدان جهت است که از سرچشمه‌های جریان فکری و هنری ادبیات ملّی پرده می‌دارد؛ زیرا هر جریان ادبی در آغاز با ادبیات جهانی برخورد دارد و در جهت دهی آگاهی انسانی یا قومی مساعدت می‌وزرد. البته این اهمیت تنها به بررسی جریان‌های فکری و گونه‌های ادبی و مسائل انسانی در هنر محدود نمی‌شود، بلکه تأثیر پذیری شاعران و نویسندگان از ادبیات جهانی نیز پرده برمی‌دارد. از این جهت گسترش شیوه‌های پژوهش‌های ادبیات تطبیقی و کوشش در تحکیم مبانی آن ره آورد دوران جدید و سبکی نوین از سبک‌های پژوهش‌های ادبی است که در برخی از دانشگاه‌های جهان در آغاز دوران جدید به وجود آمده است.

باید اینگونه مطرح کرد، ادبیات ملل همواره بر یکدیگر تأثیر متقابل داشته‌اند، در این میان تأثیر ادبیات فرانسه بر ایران، موضوعی نیست که از دید ادب پژوهان پنهان مانده یا مورد تردید باشد. همواره تغییرات در زمینه‌های فرهنگی به تدریج صورت می‌گیرد. با توجه به اهمیت مکتب رئالیسم در ادبیات باید خاطر نشان کرد؛ در ایران، رئالیسم در رمان، تحت تأثیر غرب به ویژه فرانسه صورت گرفته است. فرانسه به‌عنوان کشوری همواره پیشگام و پیشرو در زمینه‌های فرهنگی مطرح است. بی‌گمان مطالعه سیر تاریخ ادبیات معاصر ایران به‌طور اعم و سیر داستان نویسی معاصر ایران به‌طور اخص، بدون بررسی دقیق و همه‌جانبه جریان‌ات مختلف تشکیل دهنده آن، ناقص و نا تمام خواهد ماند. از این رو لازم است که گرایش رمان فارسی به رئالیسم، از آغاز پیدایش آن، مورد تحقیق و بررسی‌های جدی قرار گیرد.

بررسی رمان رئالیستی فارسی به‌عنوان پدیده جدید ادبی، بی‌شک هم تحت تأثیر تحولات داخلی و هم تحت تأثیر ادبیات غرب پدیدار شده است، و می‌تواند تا حد زیادی کم و کیف تأثیر ادبیات رئالیستی غرب به خصوص فرانسه را نشان دهد.

اصلاح جامعه و کشاندن و سوق دادن مردم به سمت خوبیها هدف نویسنده رئالیست است. در این خصوص «هیچکس عمیق‌تر از بالزاک مصائب مرحله انتقال به نظام تولید سرمایه‌داری را که قشری از مردم را زجر می‌داد و تنزل عمیق اخلاقی و روحی ناشی از آن را نیازموده است» (لوکاچ، ۱۳۷۳: ۱۵-۱۶).

در این مکتب کار نویسنده رئالیست مانند یک مورخ است با این تفاوت که عادات و اخلاق مردم اجتماع خود را بیان می‌کند پس هدف حقیقی رئالیست تشخیص تأثیر محیط و اجتماع در واقعیت‌های زندگی و تحلیل و شناساندن دقیق تیپ‌هایی است که در اجتماع معینی به وجود آمده‌اند.

نقش بالزاک به‌عنوان سردمدار مکتب ادبی رئالیسم در فرانسه و تأثیر مهم او در شناساندن این مکتب به نویسندگان ما غیرقابل انکار است. در ایران جلال آل‌احمد، نویسنده معاصر تحت تأثیر واقع‌گرایی بلامنازع او بوده است.

در زمینه ادبیات تطبیقی مقالاتی که در مورد آثار این دو نویسنده ارزشمند وجود دارد بسیار اندک است. مقالاتی تحت عناوین بررسی و مقایسه جایگاه زن در داستان‌های جلال آل‌احمد و سیمین دانشور، تحلیل تطبیقی ابعاد اجتماعی آثار جلال آل‌احمد و عبدالرحمن منیف صورت پذیرفته، همچنین در مورد بالزاک به بررسی تطبیقی قهرمان زن *نول لوییز روسو* و زن سی ساله بالزاک پرداخته شده ولی هیچ‌گاه آثار و دیدگاه‌های این دو نویسنده مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته‌اند.

این پژوهش برای نخستین بار به شیوه‌ای نوین به مقایسه تطبیقی *دهقانان* اثر بالزاک و *نفرین زمین* اثر جلال آل‌احمد پرداخته و تأثیر رئالیسم فرانسه را بوضوح بر روی این نویسنده شاخص کشورمان به تصویر می‌کشد.

در خلال تحقیق پرسش‌هایی مطرح است: آیا رئالیسم به‌عنوان یک گرایش مهم فکری و ادبی در ادبیات داستانی ایران در پی دگرگونی عمیق و تحولی ژرف در ساختار فرهنگی جامعه پدید آمده است یا اینکه در نتیجه تماس با فرهنگ غربی و به خصوص رئالیسم اروپایی به‌وجود آمده است؟

- زمینه و عوامل پیدایش رمان واقع‌گرای ایرانی چیست؟

- آیا رئالیسم اثر نثرین زمین جلال آل احمد ناشی از یک نوع گزینش آزادانه و خلاقانه و فکری نویسندگان است یا تقلیدی صرف از رئالیسم اروپایی است؟
- تمایز نگرش نویسندگان به واقعیت در رمان‌های فوق الذکر چگونه بوده است؟
- کاربرد عناصر داستانی از قبیل شخصیت، زبان، زمان و مکان در آثار این نویسندگان چگونه بوده است؟

این تحقیق به روش کتابخانه‌ای، ارائه شده است. شیوه‌ای که در بررسی رمان‌های فوق الذکر به کار گرفتیم، در اصل شیوه تحلیلی و توصیفی است بدین شکل که غالباً با بررسی، تحلیل و توصیف و احیاناً قضاوت درباره عناصر سازنده رمان نظیر شخصیت پردازی، صحنه‌سازی، زاویه دید، به بیان ابعاد رئالیستی رمان‌های ذکر شده پرداخته‌ایم. بررسی شاخص‌ترین عناصر رئالیستی در آثار این دو نویسنده را مبنای کار خود در قسمت تحلیل مقاله قرار داده و به مقایسه آن دو پرداخته‌ایم.

۳. مفهوم رئالیسم

واژه رئالیسم که در بحث رمان از آن سخن فراوان است، بی‌گمان باید مستقل‌ترین و انعطاف‌پذیرترین و گول‌آساترین اصطلاح در نقد ادبی باشد (دیمیان، ۱۳۷۶: ۱۱). این واژه با وجود استقلال ظاهری‌اش از هر توصیف‌صوری، محتوایی، کیفی و با انعطاف‌پذیری مهارناپذیرش، اعجوبه‌ای است که اغلب منتقدان از ارائه تعریفی واحد برای آن عاجز شده‌اند. به نظر می‌رسد واژه رئالیسم تضادها و تفسیرهای گوناگون را در حجم وسیعی به خود معطوف می‌دارد. از این رو، ارائه تعریفی دقیق و کامل از آن دشوار به نظر می‌رسد و این نه تنها به دلیل پیچیدگی مباحث در زمینه هنر و فلسفه که کاربردهای عمده این واژه به مباحث هنری و فلسفی ارتباط پیدا می‌کند، بلکه به سبب بغرنج بودن تاریخ زبانی واژه «واقعیت» است که بنیان مفهوم «واقع‌گرایی» یا «رئالیسم» را تشکیل می‌دهد.

واقعیت، امری نسبی و متغیر است که تحت تأثیر جریان‌های متضاد، دائماً دستخوش تغییر و تحول است. این جریان‌های متضاد که در هر مرحله تاریخی واقعیت را قالب‌ریزی می‌کند،

خود زائیده سلسله بی پایان مناسبات علت و معلولی و تاثیرات متقابل است که بدون شناخت آن‌ها درک حقیقت ممکن نیست (پرهام، ۱۳۵۳: ۳۰).

در اصل «واقعیت» چیزی تصور می‌شود که باید بدان دست یافت، نه چیزی که باید آن را مسلم فرض کرد. این دستیابی فرایندی مستمر است که هرگز نمی‌گذارد مفهوم، تثبیت شود یا واژه، قالب معنایی سهل‌الوصولی فراهم آورد. واقعیت به اندازه‌ای گمراه کننده، مبهم و متناقض است که همه نمی‌توانند به آن دست یابند... (گریه، ۱۳۷۰: ۳۹).

«رنالیسم» که نقطه مقابل فارسی آن اصطلاح «واقع‌گرایی» است، مانند واژه «واقعیت» پر از ابهام و ایهام چند وجهی است؛ به این دلیل است که «واقع‌گرایی» هم مانند خود «واقعیت» متحول و متحرک است.

رنالیسم به منزله نگرشی در هنر و ادبیات و روشی دقیق برای بازنمایی واقعیت در آثار هنری و ادبی است (ویلیامز، ۱۳۸۶: ۲۵۸-۲۵۹).

بطور خلاصه می‌توان این‌گونه بیان کرد «رنالیسم» در ادبیات یعنی گرایش به این که همه چیز همان‌گونه که در واقعیت هست نشان داده شود. رنالیسم به منزله شیوه‌ای از نگارش، یعنی اجتناب از خیال پروری و نیز اجتناب از پرداختن به اسطوره است. رنالیست‌ها واقعیت را اولی‌تر از خیال می‌دانند و آن روشی را در داستان‌نویسی می‌پسندند که مستلزم آفرینش شخصیت‌ها، موقعیت‌ها، مکان‌ها و اشیای واقعی باشد.

۴. تاریخچه رنالیسم در اروپا

رنالیسم به‌عنوان یک مکتب هنری و ادبی در هنرهای فیگوراتیو و ادبیات، منطقی‌ترین و پایدارترین نمودش را در فرانسه آشکار نمود. پس از آن بازتاب و تبعات رنالیسم در دیگر نقاط اروپا و سپس در امریکا به ظهور رسید (داد، ۱۳۸۰: ۵۵). آغاز این جنبش به انقلاب فرانسه (۱۸۴۸ میلادی) مربوط است، جنبشی که هدف آن نمایش دنیای واقعی، عینی و بیان منصفانه‌ای از واقعیت ملموس، از طریق بازآفرینی دقیق جزئیات زندگی معاصر بود. در حقیقت رنالیسم بازتاب تصویر دنیایی بود که انقلاب‌های پی در پی در زمینه‌های مختلف سیاسی اجتماعی را متحول ساخته و نظم نوینی را جایگزین آن ساخته بود.

قواعد و اصول رئالیسم را نخست شانفلوری در اولین نوشته‌های خود به میان آورد. او در سال ۱۸۵۷ میلادی مجموعه مقالاتش را در دفاع از رئالیسم انتشار داد و نام رئالیسم را بر آن نهاد. او در «مانیفیست رئالیسم» چنین نوشت: «عنوان رئالیست به من نسبت داده می‌شود» (چمفلوری، ۱۸۵۷: ۸۶). سال‌های اوج رئالیسم کلاسیک را می‌توان سال‌های ۱۸۵۰ تا ۱۸۹۰ دانست که «شانفلوری و پیرو او، دورانتی، صحنه‌هایی از زندگی خورده بورژوازی‌ها و مردم عادی را انتخاب کرده و در آثار خود توصیف نمودند» (سیدحسینی، ۱۳۸۶: ۲۷۴). در این زمان بالزاک با نوشتن اثر دنباله‌دار خود تحت عنوان *کم‌دی انسانی* قدم تازه‌ای در عالم ادب برداشت و به‌عنوان پیشوای مسلم نویسندگان رئالیست شناخته شد (سیدحسینی، ۱۳۸۴: ۲۷۱).

وی در مورد مکتب رئالیسم می‌توان به‌طور صریح عنوان کرد: بالزاک پیشوای بزرگ نویسندگان رئالیست به‌شمار می‌آید، کسی که پیروزی واقعیت را بر رؤیا اعلام کرد. عوامل مهم پیدایش رئالیسم «در وهله نخست عکس‌العملی بود که بر ضد جریان هنر برای هنر به وجود آمد» (سیدحسینی، ۱۳۸۴: ۲۷۳).

اما در این بین «نویسندگان رئالیست به دو دسته تقسیم شدند: یک دسته عقیده داشتند که هنر شرافت و اهمیت ذاتی دارد؛ بنابراین نفس هنر مطلوب است. آنان طرفداران هنر برای هنر نامیده شدند. دسته دیگر معتقد بودند که هنر ابزار رسیدن به مطلوب دیگری است؛ اینان معتقدان هنر برای فایده نامیده شدند» (سجادی، ۱۳۸۰: ۶۱).

اما عامل دیگر پیدایش رئالیسم زمینه اجتماعی آن بود، چون از موضوع و منظری گسترده‌تر، رئالیسم محصول جامعه بورژوازی پرتوانی بود که پیشرفت‌های صنعتی دم به دم بر قدرت آن می‌افزود و اکنون نوبت طبقه متوسط بود که در کانون توجه قرار گیرد. بنابراین می‌توان چنین گفت که دو زمینه اجتماعی و علمی فلسفی عامل ایجاد این مکتب در فرانسه شد.

۵. تاریخچه رئالیسم در ایران

با شکل‌گیری اندیشه تجدد در دوره قاجار، ارزش‌های تثبیت شده اهمیت خود را از دست دادند، طبقه متوسط رشد کرد و آزادی‌های اجتماعی اعتبار یافتند. همراه با این تحولات بنیادی

و اجتماعی، ادبیات داستانی ایران شکلی جدید به خود گرفت. ادبیات داستانی نوین، هم‌راستا با جنبش‌های روشنفکری آن روزگار، نقش به‌سزایی در انتقاد از تمام مظاهر تحجر، خرافات و موهوم‌پرستی یافت.

با کوشش‌های طبقه متوسط ایران و به دست آوردن مناصب کلیدی در حوزه سیاست و فرهنگ، رمان فارسی پدیدار می‌شود و همزمان با رشد طبقه متوسط، رمان نیز رونق می‌یابد. در واقع عوامل متعددی به پیدایش واقع‌گرایی در ادبیات داستانی ایران کمک کردند؛ عواملی مانند اعزام دانشجویان ایرانی به خارج، ورود مظاهر تمدن اروپا به جامعه ایرانی، تأسیس چاپخانه، تأسیس مدارس جدید به خصوص دارالفنون، ترجمه کتاب‌های علمی، تاریخی و ادبی.

محمدعلی جمالزاده (۱۲۷۱-۱۳۹۶) نخستین نویسنده ایرانی است که با قصد و نیت آگاهانه صنعت داستان‌نویسی اروپایی را به کار گرفت و اولین مجموعه داستان‌های کوتاه واقع‌گرا را پدید آورد. اولین اثر او، مجموعه داستانی یکی بود یکی نبود را سرآغاز ادبیات واقع‌گرایانه در ایران دانسته‌اند.

از سوی دیگر برآمدن نویسندگان ایرانی همچون جلال آل‌احمد را شاهدیم که متأثر از مکتب فکری و ادبی جدید «رنالیسم» درصدد تجربه کردن مضامین و شکل‌های جدید ادبی بودند. جلال مانند سایر نویسندگان رنالیست ایرانی با تلاش برای نشان دادن رنج‌ها و آرزوهای واقعی مردم، واقع‌گرایی را در ادبیات داستانی ایران تثبیت کرد. به عبارت دیگر داستان‌نویسان ایرانی از مکتب رنالیسم به‌عنوان ابزاری برای ابراز عقاید خود و انتقاد از موانع پیشرفت یا مدرنیسم در جامعه ایران سود می‌جستند.

می‌توان چنین اشاره کرد: «پیدایش رمان واقع‌گرای ایرانی، محصول تفکرات مشروطه خواهان است. هر مرحله تازه تاریخی شکل‌های بیانی جدید و مورد نیاز خود را می‌طلبد» (میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۲۱). از بین رفتن حکومت و سلطنت رضاشاه و آزادی موقت مردم در دوره پهلوی تا پایان دوره دکتر محمد مصدق باعث ایجاد رنالیسم ادبی شد. در اصل عواملی چون جنگ‌های جهانی، آزادی‌خواهی در ایران و دنیا، اعتصاب کارگران، ملی شدن صنعت نفت، فضا را جهت پیدایش نویسندگانی با افکار رنالیستی باز کرد. برای مثال «یکی بود یکی نبود، حسب حال جامعه ایران در دوره مشروطیت است» (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۶۱).

۶. مواجهه رئالیسم ایران و فرانسه

در آثار واقع‌گرایانه ایرانی، بر خلاف آثار واقع‌گرایانه فرانسوی، از زبان محاوره یا شکسته استفاده می‌شود؛ چراکه اکثریت مردم از طبقه عوام و غیرتحصیل‌کرده بوده و توانایی برقراری ارتباط با آثار ثقیل و یا جملات پیچیده را دارا نیستند.

«از اولین نویسندگانی که از زبان محاوره و ضرب‌المثل‌های مرسوم استفاده می‌کنند، می‌توان به دهخدا، جمالزاده و هدایت اشاره کرد» (سیدحسینی، ۱۳۸۶: ۲۶۲).

در دوره مشروطه زبان شعر نیز تحت تأثیر قرار گرفت و متحول گردید. باری «زبان شعر این دوره اندک اندک به دلایلی به زبان کوچه و بازار نزدیک شده است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۴۰-۴۱).

رئالیسم ایرانی رنگ و بوی محلی و بومی دارد و نویسنده رئالیست از واقعیت موجود در محلی خاص سخن می‌گوید؛ برای مثال داستان *نفرین زمین*، موضوعی اقلیمی دارد و توجه خاصی به زندگی روستایی در این اثر به چشم می‌خورد. مسلماً انعکاس واقعیات فرهنگ هر سرزمینی در آن جامعه تأثیرگذار خواهد بود و اثری که در آن از فرهنگ ملی، محلی و بومی سخن رفته باشد، مورد اقبال عمومی قرار خواهد گرفت؛ چرا که مردم با واقعیات جامعه خویش آشنا بوده و به راحتی با آثار واقع‌گرا همذات‌پنداری می‌کنند. می‌توان این‌گونه بیان کرد که در ایران، اکثر رمان‌ها به موضوعات محلی و بومی اشاره داشته و با نیم‌نگاهی به معضلات فرهنگی، اجتماعی، عاطفی، به نگارش درآمده‌اند. از طرف دیگر، مکتب واقع‌گرایی در ایران همواره در کنار اشاره به موضوعات و معضلات اجتماعی فرهنگی، به بخش سندیکایی و صنفی نیز توجه داشته است. به طوری که توجه به خواست‌های اصناف کشاورزی و کارگری، از دغدغه‌های اصلی رمان‌های اجتماعی سیاسی ایران بوده است. برای مثال، پس از جنگ جهانی دوم، تأثیرپذیری از انقلاب کمونیستی همسایه شمالی ایران، شوروی، و تشکیل حزب توده در کشور ما، ادبیات کارگری و کشاورزی، که از شعارهای زیر بنایی مارکسیستی کمونیستی بود، وارد حوزه ادبی ایران شد.

۷. عناصر اصلی در ساختمان رمان رئالیستی

۱.۷. زاویه دید

نویسندگان رئالیست در روایت کردن داستان‌هایشان، از زاویه دید سوم شخص عینی یا اول شخص ناظر استفاده می‌کنند، چرا که در این دو روش، یک نفر نظاره‌گر رویدادها می‌شود و صرفاً مشاهداتش را گزارش می‌کند. زاویه دید دانای کل نیز از جمله زاویه دیدهایی است که در داستان‌های رئالیستی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (پاینده، ۱۳۸۹: ۳۹-۳۸).

نویسندگان رئالیست، گاهی با استفاده از زاویه دید نامه نگاری که در آن، داستان براساس نامه‌هایی تنظیم می‌شود به روایت داستان خویش می‌پردازند (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۱۵۳).

رمان نثرین زمین از زاویه دید اول شخص ناظر روایت شده که در آن راوی، خود شخصیت اصلی داستان، یعنی معلم ده است. «جمعه بعد با فضل الله راه افتادیم که سری بزیم به استاد مقنی و قناتی که داشت آبی می‌کرد. هوا آفتابی بود و سوز داشت و فضل الله دستمال بسته‌ای با خودش آورده بود که گره زده بود بیخ آرنجش و دهانش این بار بوی گردو می‌داد و همچنان تسبیح می‌انداخت [...] از ده که درمی‌آمدیم برخوردار بودیم به مأمور پست که با دو چرخه‌اش وارد ده می‌شد و فضل الله هنوز داشت قصه او را می‌گفت که چطور گاهی از مرکز بخش که برمی‌گردد یک قاطر به همراه دارد (آل‌احمد، ۱۳۸۸: ۱۰۵).

در صورتی که روایت رمان دهقانان از زاویه دید سوم شخص عینی صورت گرفته است. «گرچه لوازم آشپزخانه دهقان بیش از دو وسیله نبود، یک بخاری و یک دیگچه فلزی که با آن همه کار انجام می‌گرفت. اما در این آلونک استثنائاً دو تابه بزرگ و یک اجاق دستی هم بر بالای سر بخاری وجود داشت [...] دهقان هم از هرآنچه که به خودش اختصاص دارد و هرآنچه که به کارش می‌آید به طرز شایسته‌ای استفاده می‌کند» (بالزاک، ۱۳۹۲، ۸۷-۸۶).

۲.۷. توصیف در داستان‌های رئالیستی

نویسنده رئالیست وظیفه خود می‌داند تا تمام آنچه را که می‌بیند با تمام خصوصیات و ریزه‌کاری‌ها به صورت زنده و ملموس انعکاس دهد و تصویری واقعی از قیافه و حرکات شخصیت‌ها و حتی اشیاء خارجی برای خواننده ترسیم کند. به‌طور کلی توصیف در داستان‌های

رئالیستی بسیار دقیق و جزء به جزء است و سعی می‌شود که همه چیز گفته شود و چیزی از قلم نیفتد.

جلال آل احمد در رمان نثرین زمین به شیوه‌ای ماهرانه به توصیف جزء به جزء پرداخته و این قضیه در جای جای اثر وی به روشنی مشهود است: «و همین وقت بود که سفره آوردند، آن دو نفر همراه مباشر که تاکنون دم در کز کرده بودند برخاستند؛ برادر کوچک مدیر هم کمک می‌کرد. سفره را گسترده‌اند. نان‌های لواش دور تا دور، پنیر خیکی، مربای انجیر، کاسه‌های دوغ قرینه هم، و جلوی هرکسی، در پیاله‌ای چینی، آبگوشت، و یک ظرف بزرگ خوراک مرغ، جلوی روی میرزا عمو و من و مباشر و برنج وسط سفره در یک سینی بزرگ برنجی و کاسه‌های چینی خورش آلو در اطرافش...»

توانایی رمان در مشاهده دقیق و درست جزئیات و نیز جمع‌آوری جزئیات واقعی مربوط به داستان، از جمله چیزهایی است که ما در رمان رئالیستی می‌بینیم. در واقع معیار اصلی کار رئالیست‌ها توجه به تصویر جزئیات و ارائه آن‌ها به نحوی زنده و ملموس بود. این امر نه تنها در اعتنای آن‌ها به توصیف اشیاء خارجی بود، بلکه در توجه به توصیف قیافه و حرکات شخصیت‌ها هم نمایان می‌شد. در اصل «واقع‌گرایی» به مفهوم ساده‌اش، یعنی جزئیات زندگی را دقیق و کامل منعکس کردن. ارائه جزئیات زندگی از جمله کارهایی است که ادبیات داستانی، و مخصوصاً رمان از اواسط قرن نوزدهم انجام می‌داد. و از زمانی که رئالیسم در ادبیات باب شد، این اصطلاح در مفهوم تخصصی آن برای اشاره به دقت و وضوح در بازآفرینی جزئیات زندگی در هنر به کار رفته است (ویلیامز، ۱۳۸۶: ۹۰).

بالزاک رمان را با توصیف پرشور و ستایش‌آمیز بلونده از کمال هنری قصرِ اگ^۱ شروع می‌کند و پرداختن به جزئیات در توصیف در تمام رمانش به وضوح نمایان است. از دم این کلاه فرنگی‌های متروک و غبارآلود، خیابانی شکوهمند از نارون‌های صدساله که نوکشان چون سایبانی یکی بر دیگری خم می‌شوند و به شکل آلاچیقی طویل و با شکوه در می‌آیند، آغاز می‌شود.

علف در خیابان می‌روید، اینجا به زحمت شیارهای دو چرخ درشکه‌ای مشاهده می‌شود. قدمت نارون‌ها، پهنای دو خیابان موازی آن، ترکیب شکوهمند کلاه فرنگی‌ها، رنگ گندمگون سلسله سنگ‌ها، همه و همه حول و حوش کاخی تقریباً شاهانه را می‌نمایاند (بالزاک، ۱۹۷۹: ۳۸).

۳.۷. مکان

در نوشته‌های رئالیستی، مکان با تمام ویژگی‌ها و خصوصیاتش به گونه‌ای توصیف می‌شود که مخاطب احساس می‌کند عکسی واضح از یک مکان واقعی را می‌بیند (پاینده، ۱۳۸۹: ۳۴). در داستان‌های رئالیستی از مکان‌های عجیب و غریب و وهم‌آلود که با واقعیت مطابقت ندارد خبری نیست.

بالزاک در توصیف مکان‌ها در *دهقانان*، مهارت ویژه‌ای را به تصویر می‌کشد: «در اینجا قصری با آجرهای زیبای سرخ‌فام با ستون‌هایی از سنگ و با درگاهی‌ها و پنجره‌هایی که شیشه‌های کوچک دارند، از سال ۱۵۶۰ سر بر آسمان سائیده است. در کاخ دوک ونیز، زوایای سنگ‌ها چون الماسی تراش خورده، فرورفتگی‌ها، همچون نمای پل سوپیر تنها بخش اصلی متقارن این کاخ است. پلکان ورودی عمارت، با دو راه پله عظیم ماریچی، با نرده‌های گچ بری شده زیبا، به‌طور موزون پایین می‌آید» (بالزاک، ۱۹۷۹: ۳۸).

جلال آل‌احمد نیز در *نفرین زمین* به زیبایی هر چه تمام‌تر به توصیف می‌پردازد: «مدیر مدرسه حسابی سور داده بود، خانه‌اش توی کوچه اصلی ده بود. اول دویندن سگ فلچماقشان را بستند که در تاریکی پارس می‌کرد. بعد از بغل خورجین‌ها و انبان‌های پر گذشتم و بعد پلکانی و بعد یک پنچ دری. دور تا دور، رختخواب‌ها تکیه به دیوار داده پیچیده در چادرشب‌های ابریشمی [...] یک چراغ زنبوری وسط اطاق وزوز می‌کرد و سه چهار تا شمایل به دیوارهای بالا کوبیده» (آل‌احمد، ۱۳۸۸: ۳۸).

۴.۷. برجسته شدن زمان

در داستان‌های رئالیستی نویسندگان سعی می‌کنند که داستان‌هایشان را زمان‌مند و تا حد زیادی روز، ماه، سال و حتی ساعت را مشخص کنند (پاینده، ۱۳۸۹: ۸۷-۸۶). رویدادها

برحسب الگوی تقویمی زمان رخ می دهند، که منظور از الگوی تقویمی زمان پیروی از مفهوم خطی است که زمان از گذشته شروع می شود، به حال می رسد و سپس به سوی آینده ادامه پیدا می کند (همان: ۶۷-۶۶).

«درست روز اول عقرب بود که آمدند برای سوارکردن موتور آسیاب. همان روزی که بی بی همه مردهای کاری ده را به ناهار دعوت کرده بود قرار بود برای دیم کاری پشک بیندازند. جمعه ای بود و فردایش به ساعتی که میرزا عمو دیده بود روز ولادت حضرت هابیل بود و میدانچه آبادی را آذین بسته بودند [...] بچه ها لب جوی ده گردو بازی می کردند و زن ها دم درها و لب بامها به تماشا نشسته و سه تا ژاندارم تفنگ هاشان را وارونه به کول گرفته، لای جماعت می پلکیدند» (آل احمد، ۱۳۸۸: ۷۳).

«به آقای ناتان^۱ از اگ^۲ اوت^۳ ۱۸۲۳؛ ناتان عزیزم، تویی که با تخیلات برای مردم، رویاهای دل انگیز تدارک می بینی، اینک من با گفتن حقیقتی تو را به عالم رؤیا می برم و تو به من خواهی گفت آیا قرن کنونی خواهد توانست چنین رویهایی را برای ناتانها و بلوندههای سال ۱۹۲۳ جامه عمل بپوشاند» (بالزاک، ۱۹۷۹: ۳۸).

۸. مقایسه مستقیم هردو اثر

در دهقانان، بالزاک به دفاع قاطعانه از زمین داری می پردازد. زمین داری بزرگ در نظر بالزاک مظهر تمرکز فرهنگ کهن، یعنی یگانه فرهنگ ممکن است و پیکار برای حفظ یا نابودی این «اساس فرهنگ» محور ماجرای داستانی را شکل می دهد که به شکل کامل به زمین داری بزرگ و تقسیم آن به قطعات کوچک میان دهقانان می انجامد. این پیکار، مرحله ای از انقلابی است که در ۱۷۸۹ آغاز شد و طبق نظر بالزاک با نابودی فرهنگ به پایان رسید.

همین طور مضمون نثرین زمین بررسی و اظهار نظر در مورد تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ایران است. اصلاحات ارضی که در ایران بیشتر با هدف سیاسی به وقوع می پیوندد، از نظر آل احمد برای استقلال ایران در تمام عرصه ها خطر بزرگی محسوب می شود.

1. Nathan

2. Aigues

در رمان دهقانان، بالزاک مبارزه بر سر تقسیم یک زمین بزرگ را توصیف می‌کند. همچنین سیر تکوین سرمایه‌داری فرانسه در دوره پس از انقلاب، سقوط اشرافیت، قیام مردم بر علیه بورژوازی و به ویژه تراژدی دهقانانی که به دست انقلاب آزاد گشته و از نو به بردگی کشانیده شده‌اند، را به تصویر می‌کشد.

رمان نهرین زمین آل‌احمد، محل بروز اندیشه‌های جامعه‌شناختی نویسنده شده است به طوری که در آن، راوی اول شخص، یعنی معلم روستا، با نگاهی گزارشی وار به ستیز روستاییان با ماشین و بازگویی تضادهای درونی روستا در مواجهه ریشه‌های سنتی با تکنولوژی وارداتی می‌پردازد.

آل‌احمد در نهرین زمین بیش از آن که به فکر آفرینش اثری ادبی باشد، به پدید آوردن بیانیه‌ای افشاگرانه درباره اصلاحات ارضی و امحای کشاورزی سنتی ایران می‌اندیشد. او به جای توصیف درونی و داستانی یک دوران، [...] وقایع را در جهت اثبات عقیده خود سوق می‌دهد [...] با کنجکاوی، دور و بر زندگی روستایی پرسه می‌زند و اطلاعات گوناگونی از شیوه زندگی، شکل‌بندی اجتماعی و باورهای فولکلوریک روستاییان ارائه می‌کند (میرعابدینی، ۱۳۸۶: ۵۲۱).

با این وجود، منتقدی معتقد است آل‌احمد در نهرین زمین، پنهان‌ترین گوشه‌های زندگی مردم روستا را در هنگام اصلاحات ارضی آشکار ساخته است، «او دگرگونی، آشفتگی و واژگونی ساخت‌های اجتماعی-اقتصادی و نیز آشفتگی اخلاقی و روانی انسان‌های این جامعه در یک دوره دگرذیسی شتاب‌آلود [...] را نشان می‌دهد» (ایرانیان، ۱۳۷۸: ۵۲۶).

بالزاک از جمله نویسندگانی است که با چند صدا سخن می‌گویند. آدم‌های داستان‌های چند صدایی، چندگانگی صداها را از ژرفای واقعیت همان‌گونه که هستند به نمایش درمی‌آورند. این ویژگی در آثار بالزاک به طرز شگفت‌آور مشهود است. در حالی که در داستان نهرین زمین، یکنواختی ویژه‌ای حکمفرمایی می‌کند. گروهی از آدم‌های داستانی مانند هم سخن می‌گویند و همه سخنگوی اندیشه‌های نویسنده‌اند. آدم‌های داستان‌های تک صدایی جلال آل‌احمد، همه جنبه‌های متفاوت شخصیت نویسنده را نشان می‌دهند.

از جمله توفیق‌های بالزاک و آل‌احمد در *دهقانان* و *نفرین زمین*، تصویرهای پی در پی و کوتاهی است که برای تجسم صحنه‌ها، می‌آفرینند. تصویر صحنه‌ای که کودکی به وسیله گرگ خورده می‌شود؛ در *نفرین زمین*، شاهکاری از ایجاز، تجسم و تصویر می‌باشد. آل‌احمد در تصویر این صحنه، هراس و سوگ عظیمی را یک‌جا در دل مخاطب ایجاد می‌کند. معلم مدرسه در اطاق خود نشسته که صدای‌های وهوی روستاییان برمی‌خیزد: «هوا تاریک شده بود، اما روشنایی برف که بر زمین نشسته بود در هوا می‌تراوید و خبر در چشم‌ها خوانده می‌شد» (نفرین زمین، ۱۳۴۲: ۱۵۵).

جلال آل‌احمد در بیشتر داستان‌های خود با دیدگاهی شخصی که پرده‌ای از بدبینی نیز بر آن سایه افکنده به توصیف واقعیت‌های جامعه و ناهنجاری‌های آن می‌پردازد. او به مانند بالزاک، برخلاف بسیاری از نویسندگان رئالیست، تنها به بیان مشکل نپرداخته، بلکه علت‌های اجتماعی آن را نیز مورد توجه قرار داده تا به این وسیله اثری هدفمند و روشنگر خلق نماید. از مشخصه‌های بارز آثار این دو نویسنده، علاقه آن‌ها به شرح مبسوط ابعاد شخصیت‌های آثارشان است.

در اینجا اشاره به این نکته ضروریست: بالزاک در توصیف ظاهری افراد و پردازش صحنه‌ها تا جایی که داستان اقتضا کند و به کیفیت روایت ماجرا لطمه وارد نشود پیش می‌رود، اما جلال آل‌احمد در این مورد با افراط بیش از حد، به توصیف صحنه‌های داستان می‌پردازد. لازم به ذکر است هر دو نویسنده در تصویرگری و صحنه‌پردازی، به شدت توانا هستند. قلم بالزاک عاری از سادگی و بسیار پرطمطراق است، در حالی که قلم جلال، ساده و به دور از هرگونه تکلف بوده و در امتداد شیوه نگارش نویسندگانی چون جمالزاده محسوب می‌شود.

۹. نتیجه‌گیری

آغاز جنبش رئالیسم به‌عنوان یک مکتب هنری و ادبی، در هنرهای فیگوراتیو و ادبیات مربوط به فرانسه است و پس از انقلاب کبیر فرانسه این جنبش فرصت رشد و بالندگی یافته است. جنبشی که هدف آن نمایش دنیای واقعی، عینی و بیان منصفانه‌ای از واقعیت ملموس از

طریق بازآفرینی دقیق جزئیات زندگی معاصر بود. درحقیقت رئالیسم بازتاب تصویری دنیایی بود که انقلابات پی در پی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی را متحول ساخته و نظم نوینی را جایگزین آن ساخته بود. رئالیسم در میان نویسندگان و روشنفکران فرانسوی به شدت مورد اقبال قرار گرفت و در این بین، نقش پررنگ بالزاک به عنوان پیشگام این مکتب در ادبیات انکارناپذیر می‌نمود.

از طرف دیگر، تأثیرات جنگ جهانی دوم در ایران و در ادامه آن کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تأثیرات بنیادینی را در نوع نگرش نویسندگان به جامعه و تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی پدید آورد. نویسندگان اسطوره‌ها و افسانه‌ها را رها می‌کند تا به مردم کوچه و بازار و مسائل سیاسی اجتماعی بپردازد. جلال آل‌احمد یکی از شاخص‌ترین نویسندگان این سبک در این سال‌ها به شمار می‌رود. وی در خلق آثار داستانی و غیرداستانی خود سمت و سویی دیگر پیش گرفت و همواره علل شکست سیاسی اجتماعی جامعه معاصر خود، و راه برون‌رفت از وضع موجود را جستجو کرده است. آل‌احمد که با سرخوردگی سیاسی از حزب توده از جامعه‌گرایی بریده بود، با شیوه نگارش رئالیستی به انعکاس مشکلات اجتماعی جامعه در آثار ادبی خویش پرداخته است.

در واقع می‌بایست گفت که برخی از تحولات عمده تاریخی، اجتماعی و سیاسی، راه را برای پیدایش رمان فارسی به‌طور اعم و رمان رئالیستی به‌طور اخص هموار ساخت؛ که این تحولات را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

۱. فردیت و هویت یافتن افراد، هم‌زمان با رشد طبقه متوسط؛
۲. جدایی نویسندگان از حامیان درباری و اشرافی؛
۳. دگرگون شدن کارکرد زبان و ساده شدن نثر و به کارگیری آن در جهت توصیف واقعیت و تکیه نویسنده بر مخاطب؛

۴. فراهم آمدن امکانات فنی چاپ که گسترش سریع آثار نوشته‌شده را امکان‌پذیر می‌کرد. رئالیست‌های بزرگ چون بالزاک همیشه صورت نهایی مسئله را با در میان گذاشتن مهم‌ترین و حادث‌ترین مشکلات جامعه مطرح می‌کنند. آنگاه به دیگر مسائل می‌پردازند. نیروی برانگیزندگی او به‌عنوان نویسنده همواره از رنج‌های عمیقی مایه می‌گیرد که دست به‌گریبان

مردم زمانه است. در واقع هیچ کس عمیق تر از بالزاک مصائب مرحله انتقال به نظام تولید سرمایه داری را که قشری از مردم را زجر می داد و تنزل عمیق اخلاقی و روحی ناشی از آن را نیازموده است.

در ایران نیز، جلال آل احمد از داستان نویسانی است که خواست های آرمانی و اجتماعی ایشان بر توانایی های هنری و فنی آن ها برتری داشت. او از مکتب رئالیسم به عنوان ابزاری برای ابراز عقاید خود و انتقاد از غریب دگی جامعه ایران به شکل بی نظیری بهره می برد. درست مثل بالزاک که به اصول عمده اقتصادی و اجتماعی زمان خود واقف بود و از جزئیات زندگی طبقاتی مردمی که در مسیر توفان سرمایه داری قرار گرفته بودند، آگاهی داشت. می توان این گونه بیان کرد که واقع گرایی ایجاب می کند نویسندگانی بزرگ چون بالزاک و آل احمد، در بررسی خود نه فقط چیزی را دگرگون نسازند، بلکه ابعاد دقیق همه چیز را حفظ و روایت کنند. برای آن که در بررسی خود دچار خطا نشوند، بهترین راه آن است که همیشه به جنبه اجتماعی شخصیت های داستان های خویش بیندیشد.

برای بالزاک و جلال آل احمد به مانند تمامی نویسندگان رئالیست، واقع گرایی، توجه به حقیقت را می طلبد. منظور از واقع گرایی، احساسات، افهام، شهود هوشمندانانه و درک نکات آموزنده یا هیجان انگیزی است که هنرمند در هر منظره (اعم از اینکه طبق معیارهای متعارف، مبتذل و یا متعالی پنداشته شود یا خیر) می بیند، آن ها را از منظره مذکور استخراج می کند، به طور کامل می نمایاند و به کل جامعه ربط می دهد.

جلال آل احمد نیز به بحران های اجتماعی ایران زمان خود توجه بسیاری داشته است. او در بررسی مسائل اجتماعی ایران از قالب ادبیات داستانی سود می جست. جلال متفکری است که مهمترین دغدغه او در دوران حیاتش، بررسی مسائل اجتماعی ایران بوده است. در این میان عمل گرایی او و احساس مسئولیتی که نسبت به جامعه در آثارش منعکس می کرد، دلیل محکمی بود که مردم خسته و مأیوس را به سوی جلال و آثارش سوق می داد.

درون مایه نثرین زمین اثبات بیهودگی ریشه کن شدن روستایی است و بدی دور شدن از آیین های کهن. آل احمد هنگامی که معلم مدرسه را در برابر درویش می گذارد و گیرایی سخن درویش و باسماه ای بودن درس های مدرسه را گوشزد می کند، به اینجا می رسد که صفایی بی

شيله پيله، خوشدلى و راحتى را در سادگى زندگاني و طبيعت مى‌بيند. از طرف ديگر، بالزاک در رمان *دهقانان*، تراژدى زمين‌دارى بزرگ اشرافى و در حال مرگ را به تصوير مى‌کشد. رمان *دهقانان* به‌عنوان اساس و بُن‌مايه آثاري در نظر گرفته مى‌شود که در آن‌ها بالزاک فروپاشى فرهنگ اشرافى را در پى ظهور نظام سرمايه‌دارى توصيف مى‌کند. *دهقانان* در واقع روايت زوال فرهنگ اشرافيت است. بالزاک در اين کتاب ما را به ميان عرصه نبرد اقتصادى مى‌برد؛ به آوردگاه زمين‌دارى بزرگ اشرافيت و رعايا.

در پايان، براى جمع‌بندي و خلاصه کردن نتايج مى‌توان به موارد زير اشاره کرد: بالزاک و آل‌احمد به‌دليل شرايط اجتماعى موجود در دوره خود، درونمايه داستان‌هاى خود را ناهنجارى جامعه از جمله فقر، اختلاف طبقاتى، فساد قشر مرفه، مشکلات ناشى از معضلات اجتماعى و... قرار داده‌اند و از اين طريق در بيدارى اقشار مختلف مردم کوشيده‌اند. به‌طور کلى قرابت ديده‌گاه اجتماعى و اصلاح‌گرايانه اين دو نويسنده سبب شده است آن‌ها در اغلب موارد به گونه‌اى آشکار با رويکردى واقع‌گرا که مشخصه اصلى داستان‌هاى آن‌ها بوده است) به خلق آثار ادبى روى آورده و لحنى انتقادگرايانه و افشاکننده برگزينند.

کتابنامه

- آل‌احمد، ج. (۱۳۴۲). *نفرين زمين*. تهران: نيل.
- بالزاک، ا. (۱۳۹۲). *دهقانان*، ترجمه هژبر سنجرخانى. تهران: نگاه.
- پارسى‌نژاد، ک. (۱۳۸۲). *نقد و تحليل و گزيده داستان‌هاى محمدعلى جمالزاده*. تهران: روزگار.
- پاينده، ح. (۱۳۸۹). *داستان کوتاه در ايران*. تهران: نيلوفر.
- داد، س. (۱۳۸۰). *فرهنگ اصطلاحات ادبى*. تهران: مرواريد.
- سجادى، ض.، و بهارى، ط. (۱۳۷۹). *طلعت، سبک‌ها و مکتب‌هاى ادبى*. تهران: آرمان.
- سيدحسينى، ر. (۱۳۸۴). *مکتب‌هاى ادبى*. تهران: نگاه.
- گران‌ت، د. (۱۳۸۵). *رناليسم*، ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز.
- گريه، آ. (۱۳۷۰). *قصه نو، انسان طرازنو*، ترجمه محمدتقى غيايى. تهران: نگاه.
- پرهام، س. (۱۳۵۳). *رناليسم و ضد رناليسم در ادبيات*. تهران: نيل.
- ميرصادقى، ج. (۱۳۸۷). *راهنماى داستان نويسى*. تهران: سخن.

میرعابدینی، ح. (۱۳۸۰). *صدسال داستان نویسی در ایران*. تهران: چشمه.
ویلیامز، ر. (۱۳۸۶). *رئالیسم و رمان معاصر*، ترجمه حسین پاینده. تهران: نیلوفر.
لوکاج، گئورگ. (۱۳۷۳). *پژوهشی در رئالیسم اروپایی*، ترجمه اکبر افسری. تهران: علمی و فرهنگی.

Lukacs, G. (1979). *Balzac et le realisme francais*. Maspero. Paris.
Champfleury. (1857). *Le realisme*, Michel levy Freres, libraires- Editeur.